



سمت و سوی ناشران

● شکوه تقدیسبان



اشاره

داشتن مؤسسه‌ی نشر و انتشار کتاب، در عین این‌که نوعی کار فرهنگی است، جنبه‌ی تجاری دارد و مانند هر کاری که نیازمند سرمایه‌گذاری است، به سوددهی آن توجه می‌شود و البته انتظار سوددهی، انتظار بجایی است. اما در میان صدها انتشاراتی کوچک و بزرگ، بعضی به جنبه‌ی فرهنگی و تربیتی کار بیشتر توجه دارند. آن‌ها ضابطه‌مند هستند. نام بعضی ناشران کتاب کافی است تا خریداران کتاب را به سوی خود جلب کند. همیشه کیفیت بالای کتاب‌های منتشر شده، پشتوانه‌ی محکمی برای جلب اعتماد مشتری و بازار است. شاید به همین دلیل است که تقریباً اکثر ناشران به فراخوان جشنواره‌های سامان‌دهی کتاب‌های آموزشی رشد پاسخ مثبت داده‌اند و در جلسات نقد و بررسی و تعامل فی‌مابین شرکت می‌کنند. در ادامه به چگونگی سمت و سوی ناشران شرکت‌کننده در جشنواره‌های اخیر و پیام‌ها و دران را در بعضی از حوزه‌های نشر، مرور می‌کنیم.

۲۲/۲۳۹۰۱۹۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۱۶

سال ۱۳۷۹ که اولین فراخوان جشنواره صادر شد، تعداد شرکت کنندگان ۷۲ ناشر بود، اما تعداد ۱۹۰۰ کتاب به دبیرخانه‌ی جشنواره رسید. احتمالاً در آن زمان، سؤال‌های فراوانی درباره‌ی هدف‌های جشنواره، استانداردهای کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی، معیارهای تولید کتاب و موارد مشابهی که بتواند کار ناشران را آسان‌تر کند، در ذهن آنان وجود داشته است. نگارنده در شماره‌های قبل «رشد جوانه»، به چندین مورد از نارسایی‌های کتاب‌های کمک‌آموزشی که به‌طور بی‌شمار به کلاس‌های درس فرستاده می‌شوند، یا می‌شده‌اند، اشاره کرده‌ام؛ مواردی مانند گردآوری سؤال‌های امتحانی مناطق آموزشی و انتشار آن‌ها به صورت کتاب، چاپ کتاب‌های حل المسائل که به‌طور کلی دانش‌آموز را از تفکر و تدبیر دور می‌کنند، و یا طرح سؤال‌های کلیشه‌ای و بکنواخت و تکراری که با زمینه‌سازی خلاقیت و تفکر نقاد جوانان و نوجوانان مغایرت دارد.

در بیانیه‌ی هیئت داوران اولین جشنواره‌ی سال ۱۳۷۹، استانداردهای کتاب‌های آموزشی مشخص شد که به سه مورد از آن‌ها، به‌طور کوتاه اشاره می‌شود:

- **مطالعات اجتماعی:** تعداد کتاب‌های تألیفی باید بیشتر از کتاب‌های ترجمه‌ای باشد.
- **تعلیم و تربیت دینی:** تنوع آثار ناچیز است و نوآوری و خلاقیت در آن‌ها دیده نمی‌شود.
- **علوم تجربی:** کتاب‌ها اصولاً با روح علمی یادگیری فعال مغایرت دارند.

در بیانیه‌ی پایانی اولین جشنواره، در حوزه‌های متفاوت درسی و غیردرسی، کارشناسان، ناشران را نسبت به ارزش‌گذاری کیفی کتاب‌ها آگاهی داده‌اند که ذکر جزئیات آن از ظرفیت این مقاله خارج است.

در چهارمین جشنواره در سال ۱۳۸۳، تعداد ناشران شرکت‌کننده به ۱۸۲ رسید که ۱۳۰۸ کتاب برای دوره‌ی ابتدایی و ۱۰۱۹ کتاب برای دوره‌ی راهنمایی ارسال کرده بودند. در بیانیه‌ی داوران سال ۱۳۸۳ چنین می‌خوانیم: «ضمناً جای خالی کتاب‌هایی که پرورش مهارت‌های فرایندی تفکر منطقی و خلاق و فعالیت‌ها را مورد عنایت قرار دهند، احساس می‌شود که می‌تواند مورد توجه مؤلفان و ناشران محترم قرار گیرد.»

در بند ۱ بیانیه، با عنوان «پیشنهاد برای ارتقای سطح کیفی تألیف‌ها» چنین می‌خوانیم: «جمع‌آوری مقاله‌های گوناگون خود و دیگران حول یک موضوع، کار پسندیده‌ای است که نتیجه‌ی آن می‌تواند تهیه‌ی جُنگی با ارزش باشد. در عین حال، بدیهی است تألیف کتاب نیازمند تمهید سازمانی ویژه و واحد، هدفمند و پویا (فراتر از تهیه‌ی یک جُنگ مناسب) است. از آن مهم‌تر، هر تألیف شایسته، فرصت‌هایی برای تفکر و عمل خواننده، ایجاد انگیزه برای مراجعه به منابع اطلاعاتی و رویارویی با مسائل تازه و افق‌های گوناگون فراهم می‌آورد.»

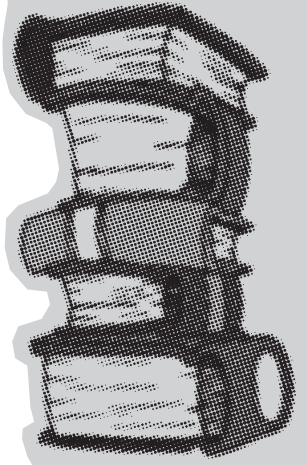
در بند ۲ همین بیانیه با عنوان «مشابهت در تولید و عدم نوآوری»، نظر هیئت‌داوران چنین آمده است: «شبهت بسیار نزدیک آثار تولیدشده، از نظر نوع ساختار، نحوه‌ی گزینش و سازمان‌دهی محتوا، بهره‌گیری از عناوین و تصاویر یکسان، خصوصاً در طبقه‌ی کتاب‌های کمک‌درسی، یکی از نکات قابل توجه در بررسی‌های داوران بوده است. یکی از دلایل این امر، تمایل پدیدآورندگان به انتخاب عناوینی بوده است که به‌طور مستقیم معرف محتوای کتاب باشد و بی‌واسطه با مخاطب ارتباط برقرار کند. این موضوع سبب شده است، عنوان بعضی کتاب‌ها نسبتاً مشابه یا کاملاً یکسان باشد؛ از جمله عنوان کتاب کار فارسی اول و کتاب‌های

کیفیت بالای
کتاب‌های منتشرشده
پشتوانه‌ی محکمی
برای جلب
اعتماد مشتری
و بازار است

۱۳۸۷/۲۳/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۱۷



کار تا پنجم دبستان که یکی از عناوین مشترک در کارنامه‌ی تولید اکثر ناشران آموزشی سه سال گذشته است!»

اما در حوزه‌ی علوم تجربی، بخشی از نظرات هیئت داوران چنین است: «بجاست که برای هدر نرفتن سرمایه‌ها در نشر، ناشران از هدف‌های علوم تجربی، و به‌طور کلی هدف‌های آموزش علوم در دنیا و به تبع آن ایران آگاه باشند.»

در بند ۵ چنین می‌خوانیم: «با توجه به سهم ناچیز تولید (بومی یا تألیف) در برابر موج قوی واردات (ترجمه)، لازم است تولیدکنندگان و ناشران عزیز برای این موضوع مهم اهمیت بسیار قائل شوند.»

در ادامه نیز توصیه‌های گروه داوران آمده است: «به ناشران و نویسندگان ارجمند توصیه می‌شود: نیازهای واقعی زندگی مخاطبان، نه نیازهای امتحانی و... را مرکز فعالیت خود قرار دهند؛ از تکرار بیهیزند و روی آوردن به نورا سرلوحه‌ی برنامه‌های کاری خود قرار دهند. زیرا که نورا حاوتی است دگر... اهداف برنامه‌ی درسی را در نظر داشته باشند، نه محتوای کتاب‌های درسی را.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پیام داوران به ناشران در سه دوره‌ی جشنواره، تقریباً مشابه است. آن‌ها در هر سه جشنواره، بیانیه‌هایی داده‌اند که حاکی از عدم شناخت مؤلفان از هدف‌های کتاب‌کار یا کمک‌درسی است. آسان گرفتن مقوله‌ی تألیف یا کپی کردن از این طرف و آن طرف و آسان‌پذیری ناشران، به هر فرد و شخصی این امکان را می‌دهد که کتابی تألیف کند. البته انسان‌ها در کار تألیف آزاد و مختارند، اما نهاد آموزش و پرورش به شایستگی‌های مؤلفان خلاق و خوش‌فکر، نیازمند است و در این بستر، ذهن‌های خلاق فرصت نوآوری دارند. جشنواره‌های سامان‌دهی کتاب‌های رشد، برای اکثر ناشران سودمند و مفید بوده‌اند. در حال حاضر، با توجه به آن‌چه در جریان جشنواره‌ها و بیانیه‌ها و انتخاب‌ها گذشته است، تعداد زیادی از ناشران باید با نقطه‌نظرات آموزش و پرورش آشنا شده باشند، از نویسندگان خود انتظارات بیشتر داشته باشند و به رشد کیفی تولیدات خود اهمیت بیشتری بدهند.

به نظر نگارنده، نارسایی‌هایی که هیئت‌های داوری به آن‌ها اشاره کرده‌اند، فقط متوجه ناشران با چاپ کتاب‌های موازی و مشابه نیست. معلمان و مدیران مدارس نیز متأسفانه اجازه می‌دهند، کتاب‌هایی با تکلیف‌های مکانیکی و کلیشه‌ای، یا به عبارت دیگر «بچه‌بشان»، به کلاس‌های آنان اذن دخول پیدا کند. بسیاری از اولیا، خستگی فرزندانشان را هنگام انجام این تکالیف می‌بینند و معترض هستند. تألیف، چاپ، تولید و توزیع این دسته از کتاب‌ها، حلقه‌های به‌هم پیوسته‌ای هستند که زنجیروار یکدیگر را هدایت می‌کنند و آن‌چه چندان به حساب نمی‌آید، اتلاف وقت و انرژی دانش‌آموزانی است که به جای گسترش دامنه‌ی تفکر و اندیشه، می‌باید ساعت‌ها قلم بزنند و تکراری‌ها را تکرار کنند.

با نگاه به کتاب‌های کار بعضی کشورها، تفاوت فاحش کتاب‌های کار آن‌ها با کتاب‌های ما کاملاً مشخص می‌شود. بسیاری از کتاب‌های کار ما، همان کتاب‌های درسی هستند که رونویسی شده‌اند و کمی رنگ و رویشان تغییر کرده است. به نظر می‌رسد که این تغییرات نیز چندان مطلوب و مثبت نیستند. زیرا تغییرات انجام شده در کتاب‌های درسی، فراتر از انتظار بوده‌اند و جذابیت لازم را برای جذب مخاطب ندارند.

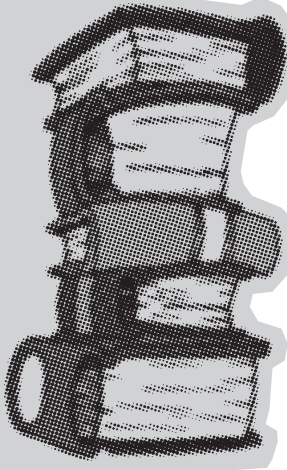
**داوران
در سه دوره‌ی
جشنواره
بیانیه‌هایی داده‌اند
که حاکی از
عدم شناخت بعضی
از مؤلفان
از هدف‌های
کتاب‌کار
یا کمک‌درسی است**

۱۳۹۱/۲۳/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۱۸

نهاد آموزش و پرورش به شایستگی های مؤلفان خلاق و خوش فکر نیازمند است



۱۳۹۰/۲۳/۲۲

بهار و تابستان ۱۳۸۷

۱۹

ناشری از یکی از دوستان من خواسته بود، کتابی با مشخصات «ویژه» برای دوره‌ی دبستان تألیف کند و زمان کوتاهی را پیشنهاد کرده بود. دوست من می‌گفت، به او گفتم این کتاب با ویژگی‌هایی که توصیف می‌کنید، غیرممکن است در این مدت کوتاه تهیه شود. بهتر است شما به من وقت بیشتری بدهید، تا ایده‌های تازه‌ای را در کتاب بیاورم که کاملاً ابتکاری و نو باشند. ناشر که فقط می‌خواست کتابی به دستش برسد تا به موقع آن را توزیع کند، مخالفت کرد و تألیف را به فردی سپرد که یک ماهه کتاب را به او تحویل داد. اما دریغ از طرح ویژگی‌هایی که قبلاً ناشر آن‌ها را پیشنهاد کرده بود. این نمونه‌ای کاملاً واقعی از جریان تولید کتاب، توسط بعضی ناشران است.

آن چه ذکر شد، انتظاراتی است که از این رویداد مهم و تاریخی در آموزش و پرورش و دفتر کمک آموزشی می‌رود. به نظر نگارنده، جشنواره‌ها، از باارزش‌ترین مراسمی هستند که می‌توانند، بسیاری از نارسایی‌های برنامه‌ریزی، تدریس، تکلیف، یادگیری و ارزش‌یابی را برطرف کنند؛ البته به این شرط که هماهنگی کلی بین ناشران و مسئولان جشنواره به وجود آید. کتاب‌های کمک آموزشی این امکان را دارند که دانش ساخته شده توسط مدرسه را به محیط زندگی دانش‌آموزان و تجربه‌های شخصی آنان ارتباط دهند. بسیاری از دانش‌آموزان نمی‌فهمند که چه طور محتوایی را که می‌آموزند، با طرح بزرگ‌تری از اشیای محیطشان مطابقت دارد. یکی از دلایل عمده‌ای که باعث می‌شود، دانش‌آموزان آن چه را که خوانده‌اند و می‌خوانند فراموش کنند، آن است که هرگز از معلومات خود در زندگی استفاده نکرده‌اند و برای تجارب آنان محیط مناسبی مهیا نبوده است.

طبق نظریه‌ی **دیوید پرکینز** (۱۹۹۲)، ما دانش‌آموزانی می‌سازیم با «دانش شکستنی» که یا بعد از امتحان آن‌ها دیگر به یاد نمی‌آورند و یا نمی‌دانند چه وقت و چگونه از آن استفاده کنند. ناشران که معمولاً افرادی فرهیخته و اهل علم و ادب هستند، با شناخت رسالت سنگینی که در جهت‌دهی به فرهنگ مردم بر دوش دارند، باید بتوانند امکانات بالقوه‌ی خود را به فعل درآورند. نیروهای علمی زیادی خصوصاً در آموزش و پرورش و مراکز دانشگاهی وجود دارند که می‌توانند در این راستا، تحولات اساسی در کتاب‌های کمک‌درسی و کمک آموزشی به وجود آورند و نیم‌رخ این کتاب‌ها را به حالتی خودفعال تغییر دهند. لازمه‌ی این کار برنامه‌ریزی با توجه به اهداف آموزش و پرورش و داشتن تشکیلاتی فعال و منسجم است.

در این مقاله بیشتر روی سخنم با سرورانی بود که کار پر مسئولیت نشر را به‌عهده دارند و با مشکلات عدیده‌ی آن دست و پنجه نرم می‌کنند و استوار ایستاده‌اند. اکثر ناشران در جشنواره‌های سامان بخشی شرکت کرده‌اند و حضورشان باعث رونق همایش‌ها و جشنواره‌هاست. این جشنواره‌ها، نمونه‌ای از تلاش مستمر آموزش و پرورش در جهت ارتباط با محیط، سامان‌دهی کتاب‌هایی که به درون مدارس و کلاس‌ها می‌روند و نهایتاً رشد و تعالی و پیشرفت امر یاددهی-یادگیری است. امیدوارم فرصتی باشد تا در ارتباط با انتشار کتاب‌های داستانی و اشعار کودکان و نوجوانان نیز تعاملی داشته باشیم که در آن بخش هم، گفتنی بسیار است.

منابع

۱. ولف، پاتریشیا. مغز و فرایند یادگیری. تألیف انتشارات مدرسه.